



نشريه روزانه يازدهمين جشنواره بين المللي نمايش عروسكى تهران - مبارك

چهارشنبه ۱۵ شهريورماه ۱۳۸۵





عروسک‌ها با هر چیز بزرگ و مهمی در جهان ارتباط دارند. با علوم، با هنرهای زیبا، با شعر، با مراسم مذهبی و با سیاست. این موجودات کوچک جادویی، عروسک‌ها، از مجسمه‌سازی شکل، از نقاشی رنگ، از مکانیک حرکت، از شعر واژه‌ها، از موسیقی آواز، از رقص زیبایی، حالت حرکت و اندازه‌ی گام‌ها و بالاخره از بداهه پردازی، ارزشمندترین امتیاز یعنی آزادی بیان را گرفته‌اند.

چارلز مگ نین، تاریخ عروسکی اروپا ۱۸۵۲

امروز چه می‌بینید؟

تالار اصلی ۲۰/۳۰ و ۱۸/۳۰: شازده کوچولو (لاریسا مانگاساروا)
 تالار چهار سو ۱۹/۳۰ و ۱۷: پانتا رای II (شارلوت پویک یولن)
 تالار قشاقی ۱۸/۳۰ و ۱۶/۳۰: ماهی‌گیر (فاطمه سوزنگر)
 تالار سیاه ۱۹ و ۱۶: ساز شب (سوسن مقصودلو)
 تالار کوچک ۱۹/۳۰ و ۱۸: مایخولیای گذر زمان (خوزه لوئیس ناوارو)
 تالار نو ۱۸: نمایش سایه‌شون (کنان)
 تالار هنر ۱۹ و ۱۷: قصه آفریقایی (اوپولاک والسیاک)
 مرکز تولید کانون ۱۹/۳۰ و ۱۷: اسب آنبوس (محمدحسن نجفی)
 تالار فردوسی ۲۰: اپرای عروسکی رستم و سهراب (بهروز غریب‌پور)
 تالار مولوی ۱۸/۳۰: مثل‌های عروسکی (فرناز بهزادی)
 فرهنگسرای اشراق ۱۰ صبح: لباس فروری (مهدیه اخوان‌نیک)
 فرهنگسرای بهمن ۱۷: دیو و کچلک (سعید باغبانی)

فرهنگسرای ابن سینا ۱۷: عاشق شدن به فصل سرما (محمدتقی اسماعیلی)
 فرهنگسرای هنر ۱۷: انیمالیا (خوزه و ناوارو)
 نمایش‌های خیابانی
 تئاتر شهر ۱۷: خواننده اپرا (علیرضا ناصحی)
 تئاتر شهر ۱۸: نه این دیگه واسه ما درس نمی‌شه (بهناز مهدیخواه)
 تئاتر شهر ۱۹: لنگ درازها (محسن پور قاسمی) اینتر تئاتر شهر ۲۰:
 کبسه‌جادو (مهدی اسماعیلی)
 فرهنگسرای امیر کبیر ۲۰: رقص چوب (مهدی آبشناس ومهدی یوسفی)
 فرهنگسرای بانو ۱۹: این عروسک مال کیه (ایرج کله چاهی اصل)
 فرهنگسرای رازی ۲۰: لطفاً پنهان نشوید (رجبعلی فلاح)
 فرهنگسرای جوان ۱۸: ارابه‌نمایش های ایرانی (ابوالفضل ورمزباز)

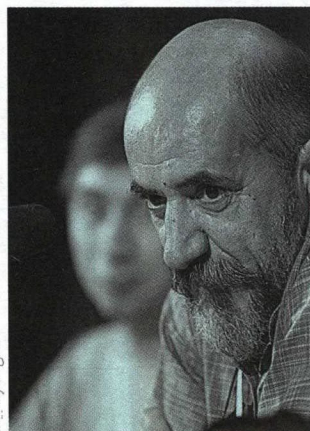
دوست دارم روی شاهنامه کار کنم!

گزارشی از سخنرانی
 دبیر کل یونیمای جهان:

و به همین اندازه آنها دیگر حوصله گوش دادن به قصه‌های پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها را ندارند. پس باید توجه کنیم که این میراث شفاهی هر روز در حال نابودی است.»

رئیس یونیمای جهانی، با اشاره به نقش اصلی تئاتر عروسکی در تمام دنیا، گفت: نمایش عروسکی در تمام دنیا یک نقش را بازی می‌کند و این همان چیزی است که مبارک سنتی شما هم آن را ادامه می‌دهد. این عروسک‌ها در واقع طرفداران ضعفا و فقرا هستند و همواره قدرتمندان را به سخره می‌گیرند، به همین دلیل هم همواره در طول تاریخ عروسک گردانان و نمایشگران عروسکی را تبعید و مجازات می‌کردند چون نقش اجتماعی عروسک‌های آنها خیلی اهمیت دارد.»

وی سپس درباره استفاده از تکنیک‌های جدید در نمایش‌های عروسکی، گفت: «این تکنیک‌ها خیلی جالب نیستند چون اساساً تکنیک‌های پیچیده، نمایش عروسکی را از اصل خود جدا می‌کنند، در حالیکه عروسکی که احساسات را بیان می‌کند، الزاماً نباید خیلی پیچیده باشد.»



ماسیمو شوستر، رئیس اتحادیه بین‌المللی نمایشگران عروسکی (unima) گفت: «تبادلات فرهنگی و هنری میان کشورهای اروپایی و ایران آنطور که باید باشد، محکم نیست.»

شوستر که روز گذشته درباره چشم‌انداز نمایش عروسکی در جهان، سخنرانی کرد، گفت: «یونیمای از سال ۱۹۲۹ و با هدف برقراری ارتباط میان نمایشگران عروسکی کشورهای مختلف در پراگ آغاز به کار کرد و طی آن سال‌ها توسط عروسک گردان‌هایی در کشورهای چک، ایتالیا، روسیه و ... هدایت شد، هر چند که در طول جنگ جهانی دوم این تبادلات متوقف شدند و در سال ۱۹۵۷ مجدداً آغاز به کار کردند.» وی در ادامه سخنرانی خود درباره وضعیت فعلی تئاتر عروسکی در جهان، گفت: «امروزه و در دنیای مدرن رسومات مردمی در معرض خطر جدی است، زیرا که تلویزیون و سینما هر روز عرصه بیشتری را برای فعالیت خود پیدا می‌کنند و کودکان ما بیشتر وقت خود را بر روی این رسانه‌ها می‌گذارند»

نشریه روزانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک

زیر نظر ستاد برگزاری جشنواره
 سردبیر: رامتین شهبازی
 مدیر هنری: حسین نوروزی
 مدیر اجرایی: حمید هنری
 دبیر عکس: رضا معطریان
 با همکاری رتوفه رستمی
 ترجمه: امیلی امرایی
 با سپاس ویژه از اسدالله امرایی

گروه خبر و گزارش: ندا ال طیب، مریم رضازاده
 گروه نقد و مقاله: رضا آسفته، امید بی نیاز، محمدرضا رستمی، آزاده سهرابی، بهزاد صدیقی و مهدی عزیزی
 حروف‌نگار: ابراهیم نجفی
 ویراستار و نمونه‌خوان: جواد قاسمی
 مدیر فنی و ناظر چاپ: انوشیروان میرزایی
 لیتوگرافیک ۱۲۸ - تلفن: ۶۶۹۶۴۱۳۰
 چاپخانه و صحافی: نخستین - تلفن: ۶۶۷۰۵۴۶۲



عسگرپور، مرادی کرمانی و قاضی نظام

در چهارمین روز جشنواره

هوشنگ مرادی کرمانی، نویسنده مطرح ادبیات کودک و نوجوان، دیروز به دیدن نمایش‌های عروسکی «پیام آفتاب» نوشته و کار داوود فتحعلی بیگی و نمایش سه دقیقه‌ای «مالخولیای گذر زمان» از کشور اسپانیا نشست. مرادی کرمانی فردا هم قصد دارد چند نمایش دیگر در جشنواره یازدهم بیند همچنین محمدمهدی عسگرپور و علی اکبر قاضی نظام نیز دیروز میهمان یازدهمین جشنواره تئاتر عروسکی بودند. رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و رئیس مرکز هنرهای نمایشی سازمان فرهنگی دیروز نمایش عروسکی «طوطی پر» نوشته و کار زهرا صبری را دیدند.

گزارش پنجمین روز کارگاه‌های

تخصصی گروه‌های عروسکی

کارگاه تخصصی معرفی نمایش و چگونگی ساخت به کارگیری عروسک در نمایش «پانتارای II» در پنجمین روز از جشنواره تئاتر عروسکی با حضور گروه نمایشی هنر برگزار می‌شود. این کارگاه که از فردا در تالار کوچک مجموعه تئاتر شهر برپا می‌شود، طی این سه روز از ساعت ۰۱ صبح تا ۳۱ اداره خواهد داشت. کارگاه تخصصی گروه هلند با حضور «شارلوت پویک - یوسن» برپا خواهد شد. همچنین فردا دومین روزانه کارگاه تخصصی «از عروسک چه خاطره‌ای داریم، با حضور روی فراتی در تریای مجموعه تئاتر شهر برگزار می‌شود. این کارگاه نیز از ۹ تا ۳۱ ادامه دارد. فردا و در پنجمین روز از جشنواره تئاتر عروسکی تهران - مبارک، نشست مطبوعاتی نمایش‌های «شازده کوچولو» نوشته دلخوسکی به کارگردانی لاریا مانگاسارو از کشور ارمنستان و نمایش «سایه» نوشته و کار شون کنان از کشور استرالیا نیز برپا می‌شود. این نشست‌ها به ترتیب از صبح تا ۲۱ بعدازظهر در محل سالن کنفرانس خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.

ایرج طهماسب جایگزین شاه محمدمدلو شد

ایرج طهماسب، پنجشنبه و جمعه به جای بهرام شاه محمدمدلو، کارگاه بداهه پردازی در نمایش عروسکی را برگزار می‌کند. پیش از این قرار بود، این کارگاه، به‌عنوان سومین کارگاه تخصصی تئاتر عروسکی در بخش داخلی توسط شاه محمدمدلو که سابقه زیادی در این حوزه دارد، برگزار شود ولی به دلیل کسالت وی این کارگاه لغو شود و طهماسب جایگزین وی شد. ایرج طهماسب طی روزهای گذشته نیز کارگاه «نمایشنامه نویس عروسک را در پردیس هنرهای زیبا برگزار کرده بود.

یک دقیقه با بکت، سه دقیقه با حوزه لوئیس ناوارو

اسماعیل خلیج که دیروز قصد دیدن نمایش سه‌دقیقه‌ای گروه اسپانیا را داشت، پیش از حضور در تالار کوچک دیدن این نمایش رانزدیک به یکی از کارهای ساموئل بکت دانست.

دعوت ذوالفقاری

دوستان عزیز؛ جشنواره عروسکی سعی دارد در برنامه‌هایش تنوع داشته‌باشد و برنامه‌های مخصوص - یکی از برنامه‌های ویژه‌ما، صبح شنبه ۸۵/۶/۱۸ ساعت ۱۰/۳۰ در تالار اصلی تئاتر شهر، نشست عمومی تمام شرکت‌کنندگان در جشنواره و دوستداران نمایش عروسکی با بهروز غریب‌پور، ماسیما شوستر و شما برگزار خواهد شد. تشریف بیاورید.

جواد ذوالفقاری، دبیر شورای سیاستگذاری جشنواره

گزارش کارگاه آموزشی گروه اسپانیا

عروسکی زنده است که نگاه داشته باشد

گروه اسپانیایی نمایش «مالخولیای گذر زمان» در تالار کوچک مجموعه تئاتر شهر حاضر شدند تا کارگاهی آموزشی را درباره شیوه کاری خود برگزار کنند.

خوزه لوئیس ناوارو، کارگردان این نمایش، ابتدا به معرفی خود و بیان پاره‌ای از فعالیت‌هایش پرداخت.

ناوارو گفت: «همیشه اولین موضوعی که مطرح می‌شود، این است که عروسک چیست. برای من عروسک هر چیزی می‌تواند باشد. حتی یک خودکار زمانی که آن را به حرکت در می‌آورید و به آن جان می‌دهید، می‌تواند یک عروسک باشد. بنابراین لازم نیست یک عروسک حتماً عروسک باشد بلکه هر چیزی که به حرکت در می‌آید و مفهومی را منتقل می‌کند، می‌تواند یک عروسک باشد.

وی ادامه داد: «تکنیک حرکت عروسک برای من خیلی مهم نیست بلکه عروسک به هر شکلی می‌تواند حرکت کند اما مهم این است که بدانیم آن را چگونه حرکت دهیم.»

ناوارو با بیان اینکه هر عروسکی، محدودیتی دارد، گفت: «عروسک کامل وجود ندارد چون هیچ عروسکی نمی‌تواند تمام حرکات را انجام دهد. اما در نهایت است عروسک است که تنوع حرکت خود را تعیین می‌کند.» ناوارو اضافه کرد: «تنها چیزی که برای حرکت عروسک لازم است، دو دست و قوه تخیل است. البته لازم نیست حرکت عروسک مثل آدم باشد بلکه باید به حقیقت نزدیک باشد.»

وی در ادامه گفت: «ابتدا باید عروسک را شناخت و قابلیت‌های آن را درک کرد. نقاط قوت و ضعف آن را شناسایی کرد و با توجه به این موضوعات با آن کار کرد.»

این کارگردان اسپانیایی، مهم‌ترین نکته در ساخت عروسک را نگاه آن دانست و گفت: «اگر عروسک نگاه نکند، مرده است و عروسک قبل از اینکه کاری انجام دهد، باید نگاه کند اما متأسفانه یکی از بزرگترین اشتباهات عروسک سازها، نداشتن نگاه عروسک است در حالی که عروسکی که نگاه داشته باشد، گویی زنده است.» به گفته وی، چشم‌های عروسک‌هایی که در کارخانه‌ها ساخته می‌شوند، مستقیم است و هر چند عروسک، سرش را تکان می‌دهد، نگاه ندارد اما من چشم‌های عروسک را طوری می‌سازم که نگاه می‌کند.

او در ادامه کارگاه، ۲ تا از عروسک‌های خود را نشان داد. یکی از این عروسک‌ها از یک توپ و پالتو تشکیل شده است که به خاطر نوع حرکت سر و دست هایش گویی نگاه می‌کند در صورتی که این عروسک، چشم ندارد.

ناوارو با تشریح تفاوت هر دو عروسک خود، گفت: «اگر بخواهیم عروسک خیلی کامل باشد، علاوه بر چشم و نگاه باید فکر هم داشته باشد و فکر کردن خود را به تماشاگران نشان دهد.»

او در پاسخ به پرسش یکی از حاضران مبنی بر چگونگی ساخت عروسک خود، گفت: «برای ساخت عروسکی که تنها یک توپ و پالتو است ۱/۵ ماه وقت گذاشتم در صورتی که ساخت عروسک دیگر که تمام اجزای بدن یک موش را دارد، تنها ۲ ساعت طول کشید. بنابراین مهم نیست که آدم در مورد یک موضوع خیلی بداند بلکه مهم انگیزه و اشتیاق برای کار کردن است و اینکه از تجربه کردن چیزهای جدید ترسیم حتی اگر نتیجه آن، شکست باشد.»



شعبه فرهنگ و تفریح
سازمان سینما، تئاتر و فیلم
تهران - سالک

بازگشت نیروهای حرفه‌ای

حضور در جشنواره عروسی را داشته باشد.

تعامل دانشگاه با جشنواره عروسی به چه صورتی بود؟

گروه تئاتر دانشگاه تهران، همواره به این نکته توجه دارد که در تمامی اتفاقات مهم تئاتر کشور نقش داشته باشد و از زمانی که من خودم مسؤلیت گروه را به‌عهده گرفتم، سعی در تعالی این هدف داشتیم، که با برگزاری سمینارهای متعدد و جشنواره‌های دانشگاهی و... می‌توان به خوبی شاهد این اتفاق بود.

به‌همین دلیل هم گروه تئاتر دانشگاه تهران تمایل زیادی دارد که پای ثابت این حرکت‌های تئاتری در کشور باشد، تا این تعامل میان دانشگاه و محیط حرفه‌ای ایجاد شود، که در جشنواره عروسی هم به همین شکل عمل کردیم. حضور من در شورای سیاست‌گذاری، به‌نوعی تداعی کننده حضور دانشگاه است و از طرفی هم ما تمام تلاش‌مان را به‌کار بستیم تا امکانات بخش دانشگاهی را در اختیار جشنواره عروسی بگذاریم. به‌عنوان مثال پلانوهای اصلی دانشگاه برای برگزاری چهار کارگاه آموزشی در اختیار ستاد جشنواره است، از طرفی هم تعدادی از گروه‌های دانشجویی که در جشنواره اجرا داشتند، از امکانات تمرین و کارگاه‌های ساخت دکور و عروسک دانشگاه استفاده کردند.

به حمایت از گروه‌های دانشگاهی اشاره کردید. آیا این حمایت علاوه بر ابعاد معنوی، در بخش مالی هم نسبت به گروه‌های دانشجویی شرکت‌کننده از سوی دانشگاه تهران صورت می‌گیرد؟

چهار نمایش عروسی از سوی دانشجویان هنرهای زیبا در خلال جشنواره یازدهم اجرا می‌شود که مورد حمایت مالی دانشگاه تهران قرار گرفته چون همواره سعی داشتیم هر نوع امکاناتی که دانشجویان نیاز دارند، در اختیار آنها قرار دهیم تا گروه‌هایی که از سوی دانشگاه در جشنواره حضور پیدا می‌کنند، آمادگی کامل را داشته باشند و این رویه سیاست کلی دانشگاه تهران است که گروه‌های اجرایی خود را در جشنواره‌های داخلی و خارجی مورد حمایت کامل قرار می‌دهد.

بعد از جشنواره هم شرایط اجرای عمومی کارهای شرکت‌کننده در جشنواره از سوی دانشگاه را فراهم می‌کنید؟

قطعاً همین‌طور است. نمایش‌های راه‌یافته از سوی دانشگاه به جشنواره‌ها را حتماً به مرحله اجرای عمومی می‌رسانیم، هرچند که دو تا از کارهای راه‌یافته به جشنواره قبلاً اجرای عمومی داشته‌اند و ما هم با سازمان فرهنگی-هنری شهرداری و مرکز تولید تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هماهنگ کرده‌ایم تا سایر نمایش‌ها را نیز مورد حمایت اجرایی قرار بدهند.

برنامه‌های جدید گروه عروسی پردیس هنرهای زیبا در سال تحصیلی جدید چیست؟

قبل از هر چیز سعی کردیم تا به تدریج تعدادی از اساتید برجسته تئاتر عروسی را که قبلاً چندان در دانشگاه حضور نداشتند، جذب کنیم که در ترم جدید خوشبختانه موفق شدیم اساتیدی چون بهروز غریب‌پور و مرضیه برومند را به کادر آموزشی دانشگاه اضافه کنیم و سعی هم داریم که کادر مدرسان نمایش عروسی را بیش از پیش تقویت کنیم. علاوه بر این تجهیز کارگاه نمایش عروسی در سال تحصیلی جدید جزو اولویتهای کاری‌مان است تا از این پس دانشجویان با ورود به ترم جدید امکان استفاده از کارگاه را برای فعالیت‌های علمی خود داشته باشند. در کنار این فعالیت‌ها قرار است برنامه‌ریزی برای برگزاری مداوم نمایش عروسی در سالن صمیمی مفخم‌داشته باشیم و در نهایت راه‌اندازی دوره کارشناسی ارشد نمایش عروسی را جزو دستور کارمان داریم که در مرحله پیگیری جدی است و امیدواریم که از سال آینده دانشجوی نمایش عروسی داشته باشیم.

دکتر مجید سرسنگی، از سال گذشته به‌عنوان مدیر گروه نمایش دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی پردیس هنرهای زیبا انتخاب شد و از آن پس شاهد تغییرات جدی و چشمگیری در حوزه تئاتر این دانشگاه بودیم. راه‌اندازی تالار صمیمی مفخم به‌عنوان تالار تخصصی نمایش عروسی، برپایی رپر توار اجراهای کلاسی گروه عروسی و تلاش در جهت برگزاری دوره کارشناسی ارشد تئاتر عروسی، از جمله اقدامات جدی او است و این بار حضور سرسنگی در شورای سیاست‌گذاری جشنواره یازدهم بهانه‌ای شد تا با وی به گفت‌و‌گو بنشینیم.

* شورایی بودن جشنواره یازدهم تئاتر عروسی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به‌اعتقاد من مشکل اساسی که این سال‌ها در حوزه عروسی وجود داشته و باعث شده که خیلی از هنرمندان عروسی بابت آن دلخور باشند و صحنه عروسی را ترک کنند و از هرگونه دخالتی در حوزه فعالیت‌های تئاتر عروسی برحذر باشند، این بود که عملاً بخشی از نیروهای حرفه‌ای تئاتر عروسی ما به‌کارگرفته نشده بودند. یعنی از نظرات و توان این افراد برای پیشبرد اهداف هنر نمایش عروسی استفاده نمی‌شد، که امسال ما این موضوع را پیش از جشنواره مورد آسیب‌شناسی جدی قرار دادیم و به این نتیجه رسیدیم که بتوانیم امسال از حداکثر توان نمایشگران عروسی، استفاده مطلوب را داشته باشیم، به‌همین دلیل در برگزاری جشنواره که نمود اصلی حرکت نمایش عروسی کشور است، بحث شورایی شدن را مطرح کردیم.

* حضور شما در این شورا چگونه بود؟

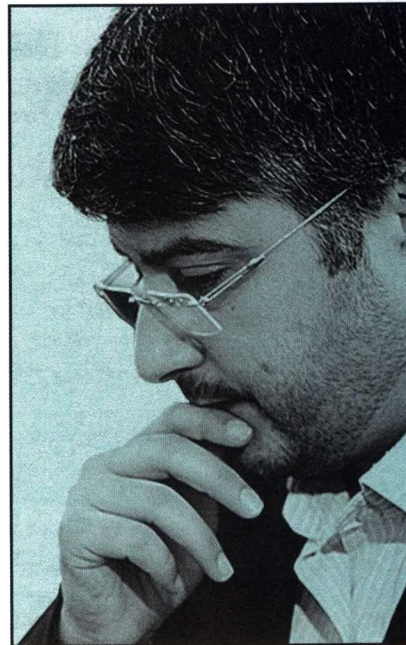
از ابتدا قرار بود کسانی در شورا حضور داشته باشند که به حرکت بیشتر جشنواره کمک کنند، افرادی مثل بهروز غریب‌پور که سال‌ها دبیری جشنواره را به‌عهده داشتند و جزو چهره‌های معتبر این حوزه محسوب می‌شوند، آقای حیدری که مسؤول مرکز تولید تئاتر کانون پرورش فکری هستند و اساتید هنر نمایش عروسی، جواد ذوالفقاری، هما جدی کار و هنرمندان نمایش عروسی، حمید جبلی و... را در کنار هم داشتیم تا بتوانیم از زوایای مختلف به نمایش عروسی نگاه کنیم و آن را مورد حمایت قرار دهیم، که این اتفاق هم به اعتقاد من افتاد، چون حضور دوباره بسیاری از نمایشگران عروسی را که در این سال‌ها احساس دوری می‌کردند شاهد بودیم و من هم به نمایندگی از حوزه‌ی دانشگاهی در این شورا حضور پیدا کردم.

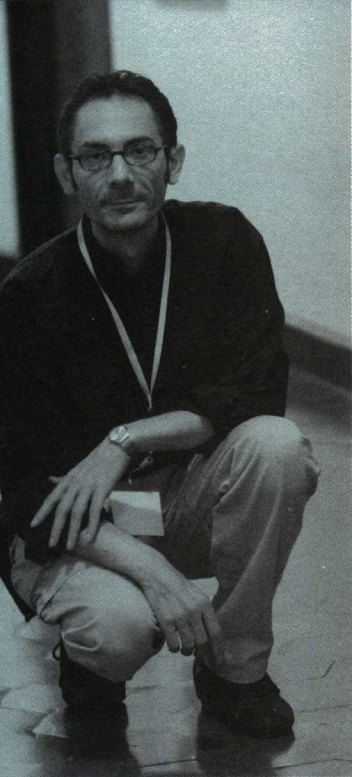
* با توجه به مدیریت خودتان در یکی از اصلی‌ترین دانشکده‌های تئاتری، حضور بخش دانشگاهی را در جشنواره یازدهم چطور می‌بینید؟

بارها بر این نکته تأکید کرده‌ام که برای توسعه تئاتر کشور و تعالی آن، هیچ راهی جز جدی گرفتن دانشگاه‌ها نداریم. یعنی اگر ما در راستای فعالیت‌های‌مان به دانشگاه‌ها توجه کرده و میدان را برای آنها باز کنیم و از طرفی هم برای حضور آنها سرمایه‌گذاری نماییم، در آینده می‌توانیم شاهد یک تئاتر متعالی و توسعه یافته باشیم.

اما اگر نقش دانشگاه‌ها را در برنامه‌های کلان و اجرایی خود کم‌رنگ کنیم، قطعاً نمی‌توانیم به یک تعالی مورد توجه امیدوار باشیم.

به‌همین دلیل هم امسال یکی از اصلی‌ترین رویکردهای ما در جشنواره، توجه به کارهای دانشجویی و میدان دادن به دانشجویان مستعد و پر تلاش بود، هرچند که در عین حال دقت داشتیم تا کارهایی وارد جشنواره عروسی شود که قابلیت





گفت و گو با خوزه لویس ناوارو کارگردان نمایش «مالیخولیای گذر زمان»

ما قلب شما را تسخیر می کنیم

واکنشی نشان ندهد و یا حتی متاثر شود. تئاتر در واقع شبیه یک آینه است که شخص خودش را در آن تماشا می کند. پس یک شخص وقتی به تنهایی نمایش را تماشا می کند حسی را که متعلق به اوست را از صحنه های نمایش دریافت می کند. این مصداق گفته ی «مارسل دوشان» است، که می گوید:

«وقتی شما می خواهید آثار یک نمایشگاه را ببینید، بهتر است به تنهایی با آنها مواجهه شوید و تمرکز بالایی برای دیدن آثار هزینه کنید.»

در واقع تنها تئاتر دیدن ارتباط نمایشگر و بیننده را افزایش می دهد، چون همه ی نمایش متعلق به تنها بیننده ی آن است.

نمایشتان را در کشورهای مختلف روی صحنه برده اید، تماشاگران مختلف با فرهنگ های مختلف، چگونه با نمایش شما ارتباط برقرار می کردند؟

بعضی ها دوست داشتند که نمایش را دوبار ببینند و بعضی هم به همان یکبار دیدن بسنده می کردند. در یکی از اجراها خانمی پس از تماشای این کار با چشمان گریان از سالن خارج شد، دنبالش رفتم تا بدانم چرا این قدر تحت تاثیر قرار گرفته او گفت که مادرش را به تازگی از دست داده و این نمایش قلبش را تسخیر کرده است.

مرگ در تمامی فرهنگ ها یک معنی دارد، پس همه می توانند با فرهنگ و بینش خودشان با آن ارتباط برقرار کنند.

نمایش «مالیخولیای گذر زمان» نوشته و کار خوزه لویس ناوارو اسپانیایی از ۲۴ شب گذشته در سالن کوچک مجموعه ی تئاتر شهر روی صحنه رفت. گفت و گوی کوتاهی را با کارگردان این اثر از نظراتان می گذرد.

چگونه با تئاتر عروسکی ایران آشنا شدید؟

گروه تئاتر عروسکی اکسترا از اسپانیا در سال های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۶ (برای حضور در چهارمین و ششمین جشنواره ی تئاتر عروسکی تهران) به ایران سفر کرد، من در سال ۹۶ همراه آن ها به ایران سفر کردم و نمایشی به نام سینوسیسیم را در تهران اجرا کردیم.

از چه طریقی به یازدهمین جشنواره بین المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک دعوت شدید؟

جشنواره های در ماه ژوئن (خرداد ماه) در شهر پراگ پایتخت جمهوری چک برگزار شد، که ما در آن جشنواره شرکت کرده بودم. بهروز غریب پور هم رییس هیات داوران آن جشنواره بود. و یک گروه ایرانی هم در آن جشنواره شرکت داشت، در واقع ما به پیشنهاد ایشان و به دعوت آن گروه تئاتر عروسکی به این جشنواره راه یافتیم.

نکته ای که درباره نمایش «مالیخولیای گذر زمان» اهمیت دارد، شکل اجرای آن برای یک نفر است. می خواهیم بدانم چرا نمایشتان را تنها برای یک نفر اجرا می کنید؟

ما اجرا خیلی پیچیده نیست، اما پاسخ مهم و اساسی را می طلبد. اشخاص دیگری هم در تئاتر می توان پیدا کرد که همین کار را انجام داده اند. تئاتر زمانی معنا پیدا می کند، که تماشاگر به تنهایی در دنیایی که تنها متعلق به اوست با اثر برخورد می کند. به این معنی که اگر در نمایشی دویست تماشاگر به صحنه ای می خندند، ممکن است اگر تماشاگری به تنهایی بیننده ی آن باشد

گفت و گو با نویسنده ی نمایش «قصه ی آفریقای» کریسپین موآکیدئو

می خواهیم سنت هایمان را جهانی کنیم

همه ما وجود دارد و گاه سبب می شود ما فراموش کنیم چه کسی به ما کمک کرده است. از ده سال پیش که کار تئاتر عروسکی را شروع کردم سعی داشتم شرق و غرب را که اطلاعات کمی در خصوص تئاتر عروسکی آفریقا داشتند با این تئاتر آشنا کنم. موسیقی و رقص و آواز در این تئاتر برای معرفی این فرهنگ به جهان به کار گرفته شده است.

از چه طریق به این جشنواره دعوت شدید و تا چه اندازه با تئاتر عروسکی ایران آشنا هستید؟

در جشنواره فنلاند با گروهی از ایران که نمایش «هدیه جشن سالگرد» را در آن جشنواره اجرا می کرد آشنا شدیم و از طریق افشین هاشمی فیلم این کار را برای جشنواره ارسال کردیم. به این ترتیب در حال حاضر مهمان شمائیم. دو اثر ایرانی در جشنواره ی پاکستان در سال ۱۹۹۶ دیدم، یکی «آدم و حوا» بود و دیگری نمایش سایه ای؛ که هر دو فوق العاده بودند.

شده است. این قصه در مورد طمع، شکستن پیمان و عواقب آن برای انسان است. این یک قصه جهانی است و به جای خاصی تعلق ندارد ما با این نمایش به همه جا می رویم. گاهی در کشورهایی مثل روسیه آنها به ما گفتند که این مساله رادر افسانه های خود نیز داشته اند. آزمندی و طمع موضوعی است که در



نمایش «قصه ی آفریقای» نوشته ی کریسپین موآکیدئو و به کارگردانی ایوا پولاک، محصول مشترک کنیا و لهستان در دومین روز یازدهمین جشنواره ی بین المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک در سالن اصلی مجموعه ی تئاتر شهر روی صحنه رفت. با نویسنده این نمایش گفت و گویی ترتیب داده ایم که در ادامه می خوانید:

چند سال است که به طور مداوم فعالیت می کنید؟

گروه قصه ی آفریقای نزدیک به ۲۰ سال است که کار می کند. این گروه بیشتر برای بچه ها کار می کند ولی برای بزرگسالان نیز کارهایی اجرا کرده است. گروه ما سفرهای زیادی به کشورهای مختلفی همچون فنلاند، پاکستان، ترکیه، آلمان، اوکراین، لهستان (بیست و دومین دوره فستیوال بین المللی)، ایران و... داشته است. گروه قصه ی آفریقای در گذشته اعضای بیشتری داشت ولی هم اکنون به صورت ۲ نفره اجرا داریم.

قصه آفریقای در باره چیست؟
این موضوع از قصه های در شرق آفریقا گرفته



شماره روزانه یازدهمین جشنواره بین المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک

درباره رضا خمسه‌ای پیر مردی که عاشق «مبارک» است

یک، دو، رضا خمسه‌ای:

بیشتر از هشتاد سال دارد، هر چند که خنده هایش و صدای رسایش که با عروسک‌ها حرف می‌زند، پنهانگر یک عمر زانو زدنش در کنار خیمه است.

درس نخوانده و سواد درستی ندارد. به‌هواوی صغیر زدن و بازی با عروسک‌های چوبی، از مدرسه فرار می‌کرد و پشت نانوايي سنگی بازارچه سعادت پنهان می‌شد و باصغیرهایی که از بساط خیمه پدرش دزدیده بود، تمرین می‌کرد. پدرش شیخ احمد خمسه‌ای، که از پیرهای خیمه شب‌بازی بوده، دوست نداشت، پسرش این کاره شود، به خاطر همین هم اصرار داشت که او دنبال درس و کار درست و حسابی برود ولی آقا رضا چشم و دلش پی عروسک‌ها بود و با شنیدن صدای صغیر نفسش بند می‌آمد.

از بچگی با صدای صغیر و عروسک‌های نخ‌کی که از این سوی خیمه به آن سو می‌رفتند بزرگ شده بود و گوش‌هایش به صدای تند و تیز مبارک شرور خیمه عادت کرده بود، هر چند، کمی که بزرگ‌تر شد به اصرار شیخ احمد آقا که سال‌ها عمرش را پای خیمه گذاشته بود، رفت دکان مسگری و مشغول کار شد.

بعدتر ها به مغازه کفاشی که نشن خیابان بهارستان قرار داشت، رفت ولی بعد از مدتی با اوستا کارش حرفش شد و از آنجا بیرون آمد و مجبور شد که نشن پاساژ بساط کفاشی و جعبه واکسی راه بیندازد. مشتری‌هایی که او را از قبل می‌شناختند، پیش او می‌آمدند و آقا رضا کارشان را راه می‌انداخت و از این راه زندگی‌اش را می‌گذراند.

مدتی هم سر حمام کار کرد و بعدتر که آرام آرام پایین می‌آمد، شد خادم مسجد هفت اختران و برای بیست سال آنجا ماندگار شد، هر چند که هر وقت از این گوشه و کنار فرصتی پیدا می‌کرد، بساط خیمه را به پا می‌کرد و ضرب می‌گرفت و می‌خواند.
یک، دو، مبارک... کجایی؟

از آن قدیم‌ها که پدرش جعبه عروسک‌ها را روی کولش می‌انداخت و بساط خیمه را به پا می‌کرد، همه چیز را در حافظه‌اش ضبط کرده بود.

همایون، سه‌گانه، افشار و اصفهان را هم از همان وقت‌ها یاد گرفت و دنبالش شروع کرد به ضرب زدن و آواز خواندن.

داستان‌های مبارک و شاه سلیم و آدم‌های خیمه را که از نسل‌های قدیم سینه به سینه گشته بود، حفظ بود و عروسک‌های خیمه را مثل بچه‌هایش دوست دارد.

آقا رضا با گریه‌های مبارک، گریه می‌کند و باخنده‌های او می‌خندد و هنوز هم وقتی مبارک شروع به بی‌ادبی می‌کند، چوبش را از پشتش بیرون می‌کشد و یک کشیده نثار مبارک می‌کند و به محض اینکه مبارک سیاه شروع به شیرین زبانی می‌کند همه چیز از یادش می‌رود و عروسک کوچک نخ‌کی را می‌بوسد.

عروسک‌های خیمه بعد از این همه سال به جان‌اش بسته‌اند و آن‌ها را روی چشمانش نگه می‌دارد و با اینکه دیگر توان کار کردن سردکان و مغازه را ندارد ولی هر وقت پیش می‌آید و برنامه‌ای و جشنواره‌ای باشد، باز هم با همان انرژی کودکانه‌اش سر ذوق می‌آید و صندوق عروسک‌ها را باز می‌کند. و خیمه را راه می‌اندازد.

شاید او آخرین بازمانده‌های نسل خیمه‌شب‌بازانی باشد که داستان‌هایش را از کاکامد شیرازی، اصغر احمدی و شیخ احمد خمسه‌ای به ارث برده. او استاد رضا خمسه‌ای، مرشد پیر و تنه‌های خیمه شب‌بازی است که امسال هم میزبانی جشنواره عروسکی را می‌کند و داستان بارگاه شاه سلیم را روایت می‌کند...



نگاهی به حضور دانشجویان در
یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر
عروسکی

سفره جشنواره برای دانشجویان باز است

حال جشنواره بین‌المللی اعتبار خاصی برای خود دارد و استادان بزرگی از کشورهای مختلف در آن حضور پیدا می‌کنند. بنابراین جداکردن بخش دانشجویی از حرفه‌ای نشان می‌داد، در هر کدام از بخش‌ها، چه توانایی‌ها و امکاناتی داریم.»

به‌اعتقاد مسعودی، جشنواره باید جایی باشد برای هنرمندانی که شغلشان تئاتر عروسکی است و در این شکل حتی اگر از نظر بودجه و سالن، تفکیکی قائل شده باشند باز هم در دو بخش با یکدیگر آمیخته می‌شوند در حالی که می‌شد جایی برای کار اولی‌ها یا دومی‌ها در نظر گرفت.»

او هرچند این اتفاق را برای دانشجویان حاضر در جشنواره بسیار مثبت می‌داند، اما این هشدار را هم می‌دهد که این هنرمندان جوان از این فرصت تنها بهره‌برداری‌های غرور آمیز نکنند و تصور نکنند دیگر کاملاً حرفه‌ای شده‌اند: «نباید دچار این شبهه شوند که یک شب سه صدساله را طی کرده‌اند چون موفقیت تدریجی هم باعث پختگی حرفه‌ای می‌شود و هم اخلاق حرفه‌ای جوانان را تقویت می‌کند. بنابراین حتی اگر کار جوانان از بعضی از حرفه‌ای‌ها بهتر بود نباید دچار غرور کاذب شوند.»

سعید زینالی، یکی از دو کارگردان نمایش «انتظار در کافه پارکر» دیگر دانشجویی است که در این دوره از جشنواره حضور دارد.

او نظر خود را این‌گونه بیان می‌کند: «اگر این اتفاق به این شکل می‌افتاد که برگزیدگان جشنواره دانشجویی، مستقیماً به این جشنواره راه پیدا کنند، اتفاق خیلی خوبی بود. اما ما هم برای شرکت در جشنواره همه مراحل را طی کردیم یعنی مثل همه گروه‌ها فرم پر کردیم، بازخوانی و بازیابی را پشت سر گذاشتیم و بعد به جشنواره راه پیدا کردیم.»

او معتقد است بهترین کار این است

که در جشنواره بین‌المللی عروسکی هم مانند دوره قبل جشنواره تئاتر فجر، جایی جداگانه به گروه‌های برگزیده دانشجویی اختصاص پیدا کند.»

علی‌باکدست، مدیرکانون تئاتر عروسکی اداره کل هنرهای نمایشی و عضو شورای سیاست‌گذاری جشنواره می‌گوید: «دانشگاه مرکز پرورش هنرمندان نمایش عروسکی است، نباید رشته عروسکی به شکل گرایشی در دانشگاه تدریس شود بلکه باید تبدیل به یک رشته مستقل شود. در کنار این‌ها باید معیار انتخاب استاد و دانشجو روشن شود. کسی که می‌خواهد وارد رشته عروسکی شود، باید با آگاهی این رشته را انتخاب کند و آشنایی ابتدایی با رشته‌هایی مانند ادبیات، موسیقی، طراحی، حجم‌سازی و ... داشته باشد.»

به اعتقاد او، موفقیت دانشجویان که حاصل‌اش حضور دانشجویان در جشنواره است، بستگی به کار آمد بودن روش تدریس نمایش عروسکی در دانشگاه‌ها و برخورداری از امکانات این رشته دارد.

باکدست در مقایسه دانشگاه هنری لهستان با ایران می‌گوید: «در دانشگاه لهستان، دانشجویان ۴ سال آموزش بازی‌دهندگی، کارگردانی و ... می‌بینند و برای آموزش بازی‌دهندگی، تمام عروسک‌ها با تکنیک‌های گوناگون وجود دارد اما در دانشگاه‌های ما حتی یک کارگاه مجهز یا عروسک‌های گوناگون در حیطه بازی‌دهندگی وجود ندارد.»

سفره این دوره از جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی بیش از همه در برابر دانشجویان باز است چرا که در این دوره شاهد حضور چشمگیر گروه‌های دانشجویی بسیاری هستیم. گروه‌هایی که بیشتر آنان، نمایش‌های خود را در نهمین جشنواره تئاتر عروسکی اجرا کرده بودند و به‌عنوان برگزیدگان آن جشنواره انتخاب شدند و حال دوباره این بخت را دارند تا در این جشنواره نیز حضور داشته باشند.

دانشجویان هم مانند دیگر گروه‌ها، مراحل گوناگون جشنواره مانند بازخوانی متون و بازیابی نمایش‌ها را پشت‌سر گذاشتند و بعد از موفقیت در این مراحل به جشنواره راه یافتند تا در کنار دیگر گروه‌ها به اجرای آثار خود بپردازند.

هما جدی‌کار، استاد دانشگاه و عضو شورای سیاست‌گذاری جشنواره درباره حضور دانشجویان در این دوره از جشنواره، می‌گوید: «البته حضور دانشجویان منحصر به این دوره نیست و هر دوره، شاهد حضور دانشجویان متعددی بوده‌ایم. چرا که خیلی از هنرمندان حرفه‌ای عروسکی امکان حضور در جشنواره را پیدا نمی‌کردند.»

او در ادامه توضیح می‌دهد: «نظر شخصی من این است که چون جشنواره بین‌المللی است، بهتر بود گروه‌های دانشجویی در بخشی جداگانه نمایش‌های خود را اجرا می‌کردند تا در کنار حرفه‌ای‌ها قیاس نشوند، بلکه در بخش خودشان مورد ارزیابی قرار گیرند.»

به‌اعتقاد این استاد دانشگاه حضور دانشجویان از این جهت هم خوب است که موجب شده کارگاه‌های آموزشی گوناگونی با حضور استادان مطرح خارجی برگزار شود: «برگزار شدن این کارگاه‌ها برای ما و هنرمندان حرفه‌ای هم بسیار مفید است چون کمک می‌کند به روز باشیم و از دستاوردهای کشورهای دیگر استفاده کنیم.»

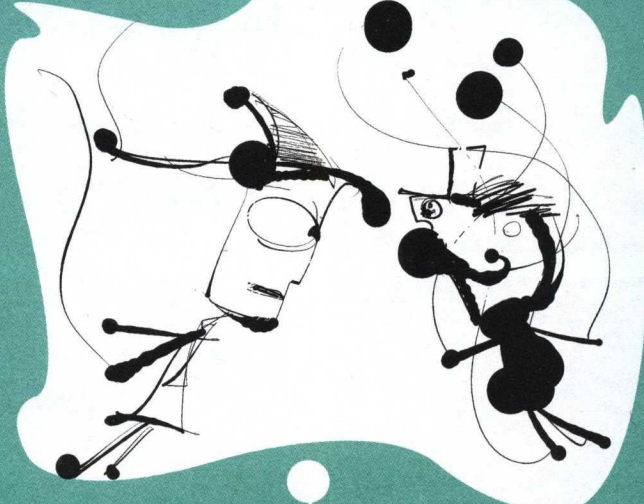
محمدحسن نجفی، یکی از همین دانشجویان است که با نمایش «اسب آبنوس» در جشنواره شرکت می‌کند، نمایشی که ۴ جایزه از جشنواره تئاتر عروسکی دانشجویی گرفته است.

نجفی حضور دانشجویان را یکی از اتفاقات خوب جشنواره می‌داند: «یکی از بهترین کارها، برداشتن قیدوبند حرفه‌ای‌گری بود و اینکه به ما هنرمندان نوپا هم این فرصت را دادند تا در این جشنواره حضور پیدا کنیم، به‌خصوص اینکه کارهای دانشجویی فکر نو دارند و امروزی‌تر هستند.»

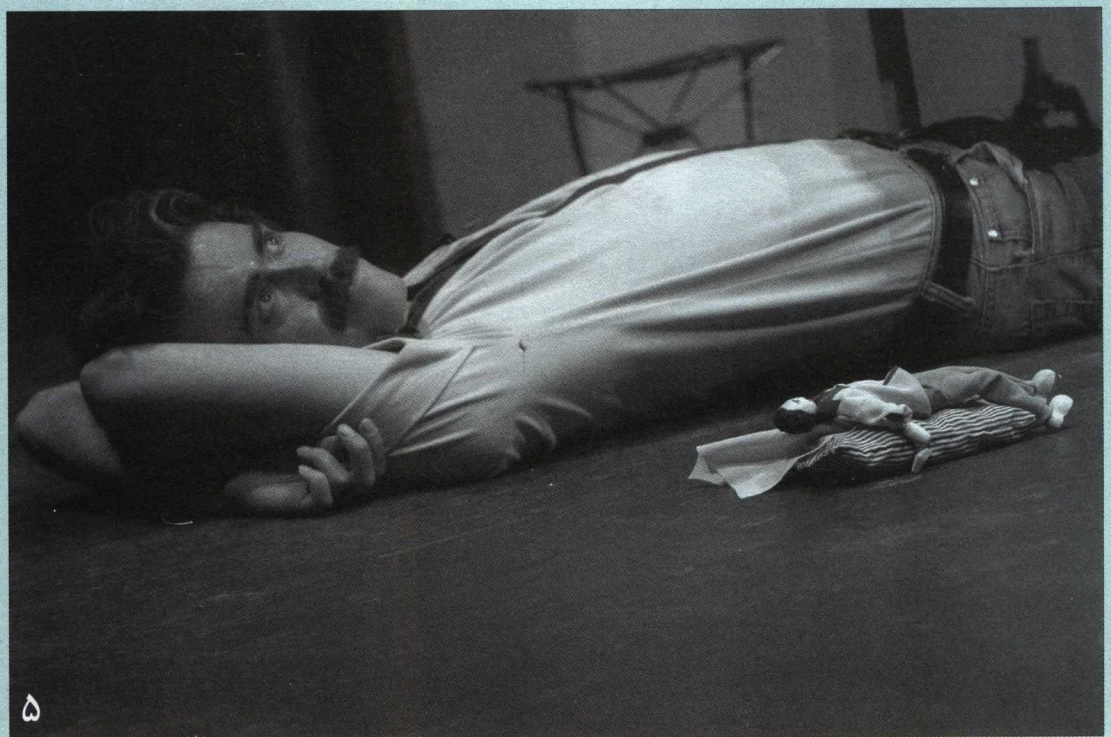
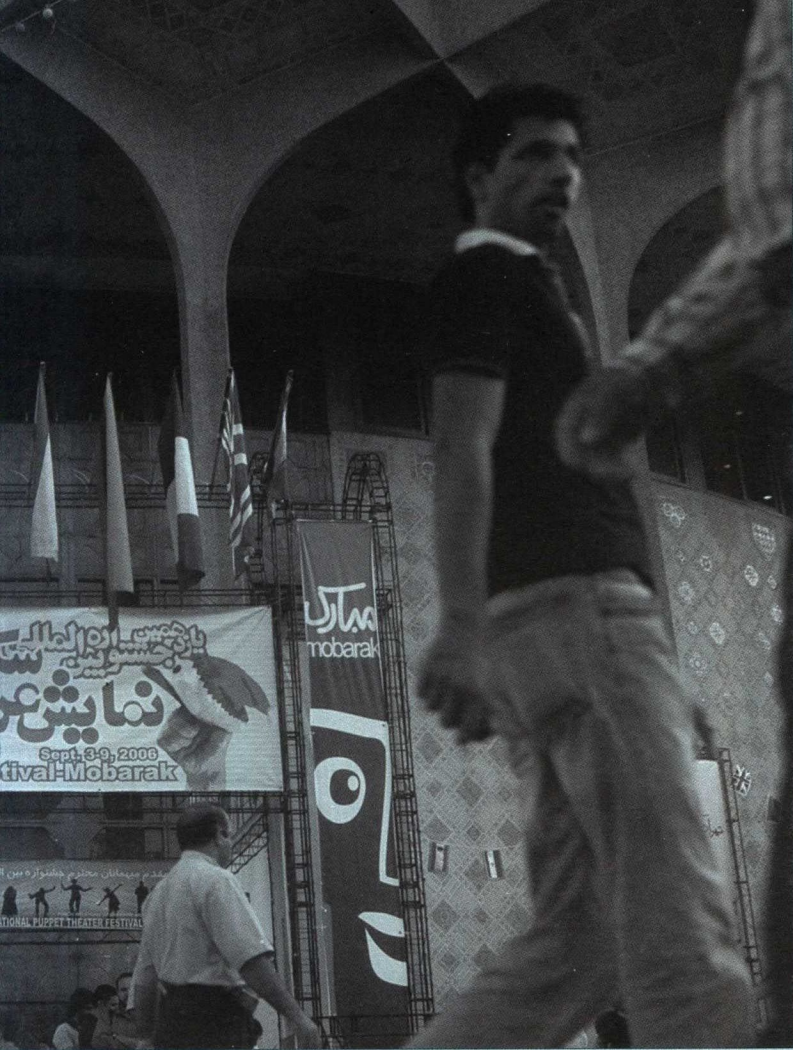
او که از دانشگاه آزاد تنکابن در جشنواره شرکت می‌کند، دانشگاه خود را یکی از مجهزترین دانشگاه‌های هنری ایران می‌داند: «دانشگاه ما ۶ پلاتو دارد و همیشه تمام امکانات آن برای دانشجویان مهیا است. به‌طوری‌که تمام هزینه تمرینات، ساخت دکور و عروسک و همه چیز را در مورد کارها متقبل شدند و حتی برای رفت و آمد هم سرویس دانشگاه را در اختیار ما قرار دادند.»

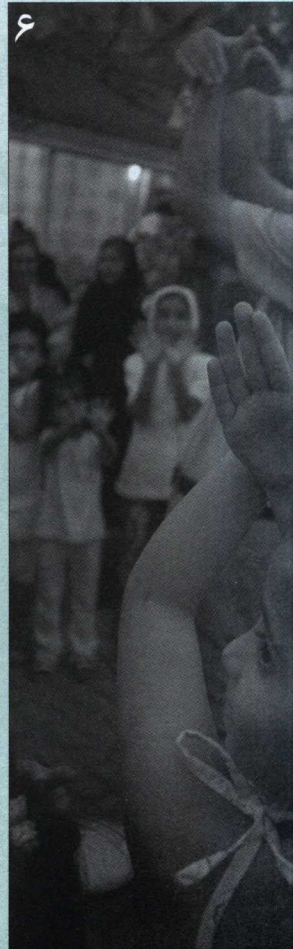
نجفی، حضور دانشجویان را فرصت بسیار مناسبی می‌داند تا هم دین خود را به تئاتر عروسکی ادا کنند و هم بتوانند خود را در عرصه بین‌المللی، معرفی کنند.

شیوا مسعودی، استاد جوانی است که خود نیز از طریق شرکت در همین جشنواره‌ها خود را به جامعه تئاتر عروسکی شناسانده است. اما او هم مانند هما جدی‌کار معتقد است بهتر بود بخش دانشجویی به شکل جداگانه در جشنواره برگزار می‌شد: «بهر



نشریه روزانه یازدهمین
جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی
تهران - نیازی





۱ - طوطی پر ۲ - سندباد بحری ۳ - خیابانی ۴ - گاو ۵ - گاو ۶ - خیابانی ۷ - پیام آفتاب

گفت‌و‌گو با سوسن مقصدلو، کارگردان نمایش «ساز شب»

آشنایی نویسنده و حلزون

بعد از اجرای نمایش «دختر ابرو آدمک» در جشنواره ششم تئاتر عروسکی که سال ۷۳ برگزار شد، دیگر در جشنواره حضور نداشت و با وجود اینکه در سالهای بعد هم دوبار دیگر متن داد و هر دو کار هم به تصویب رسیدند، اما از حضور در جشنواره انصراف داد، تا امسال که با نمایش «ساز شب» بار دیگر تجربیات سالهای دور را به داوری تماشاگران می‌گذارد.

سوسن مقصدلو، که این روزها سرگرم آماده سازی نمایش «ساز شب» است، درباره تجربه جدید خود می‌گوید: «نمایش داستان زن نویسنده‌ای است که در عین حال بازیگر هم هست و یک شب اتفاقی با حلزونی در یک پارک آشنا می‌شود و می‌فهمد که حلزون هم در سرزمین خودش یک نوازنده و هنرمند است، مثل او.»

مقصودلو که «ساز شب» را برای مخاطب عام آماده کرده علاوه بر تکنیک دستکشی، سیاه، سایه و تن پوش از بدن بازیگر هم در کار استفاده می‌کند و تلفیقی از چند روش متنوع را در کار دارد و با این وجود معتقد است که اگر جشنواره عروسکی نبود، بهترین شیوه اجرایی آن بهره‌گیری همه جانبه از بدن بازیگر است که در اجرای این کار تمام آنها را در قالب عروسک پیاده کرده است.

او می‌گوید: «در حال حاضر در موقعیت ایستا و آماده باش هستیم و بودجه‌ای که در اختیار مان قرار گرفته است، همه نیات گروه را برای یک نمایش کاملا حرفه‌ای برآورده نمی‌کند، در حالیکه مسوولان و مخاطبان جشنواره با توجه به سابقه کاری ما توقع بیشتری دارند و هیچ کس به این مسأله توجه ندارد»



که برای یک کار حرفه‌ای نیاز به گروه حرفه‌ای است و گروه متخصص توقع امکانات حرفه‌ای دارد و اگر قرار باشد که وضعیت امثال من هم یکسان با دانشجویان این رشته باشد، درست نیست.»

او معتقد است: «نمایشی که قرار است به یک جشنواره بین‌المللی راه پیدا کند، نیاز به چندین ماه تمرین مداوم و پیوسته دارد. در حالیکه اغلب نمایش‌هایی که در جشنواره‌های تئاتری ما اجرا می‌شوند، تنها یک یا دو ماه تمرین داشته‌اند، به همین دلیل واقعا نمی‌توان درباره چیزی که وجود ندارد، خیلی حرف زد و نظر داد و همین مسائل باعث شد که من به‌عنوان یک بازیگر و کارگردان تئاتر عروسکی بعد از سال ۷۳ دیگر کار نکنم، چون شرایط حاکم راضی‌کننده نبود و امروز هم با توجه به حضور دوباره‌ام در جشنواره عروسکی قصد داشتیم تا بیشترین تمرکز را بر روی کارم بگذارم و آن را به مرحله مناسب عملی برسانم.»

گفت‌و‌گو با محمدحسن نجفی، کارگردان نمایش «اسب ابنوس»

اسب ابنوسی از هزار و یک شب به جشنواره می‌آید

آن جشنواره تا اجرا در جشنواره بین‌المللی، تغییرات زیادی را پشت سر گذاشته است. این تغییرات بیشتر به لحاظ ساخت عروسک و شیوه عروسکی گردانی بوده است به گونه‌ای که عروسک‌های ما الان خیلی حرفه‌ای‌تر شده‌اند.»

نجفی البته موضوع دیگری را هم در بهتر شدن این نمایش مؤثر می‌داند: «استادانمان پدرا نه و مادرانه در کنار ما بودند و در هر طرف کردن معایب، کمک زیادی به ما کردند، به‌خصوص استاد راهنما و مشاورمان آقای محمدباقر عبیدی، خیلی به ما کمک کردند.»

نمایش در جشنواره دانشجویی در تالار مولوی اجرا شد. تالاری که مناسب اجرای آن بود. نجفی معتقد است این نمایش قابل اجرا در هر سالنی است که پلاتویی باشد و سن نداشته باشد، چرا که اگر سالن سن داشته باشد تماشاگران نمی‌توانند عروسک‌ها را ببینند.»

گرفتن ۴ جایزه از جشنواره دانشجویی و نیز گرفتن رتبه سوم با لحاظ استقبال مخاطب، این گروه دانشجویی را به انجام تجربه‌ای موفق در جشنواره بین‌المللی عروسکی امیدوار ساخته است.

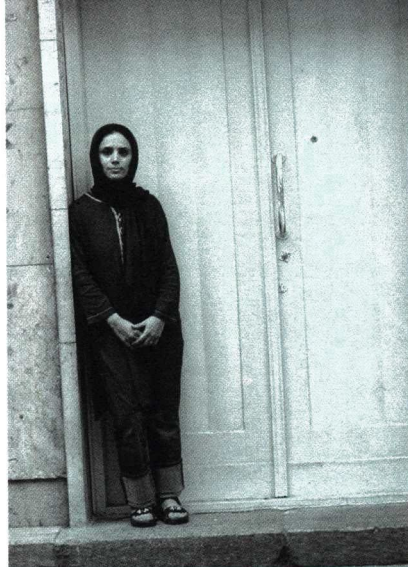
محمد حسن نجفی از دانشجویان تئاتر دانشگاه آزاد تنکابن و عاشق داستان‌های کهن ایرانی است: «تا آخر عمرم همیشه از داستان‌های ایرانی استفاده می‌کنم که منابع بسیار ارزشمندی هستند.»

«اسب ابنوس» هم برگرفته از یکی از قصه‌های هزار و یک شب است. داستانی که تنها ۴ صفحه است اما اجرای نمایشنامه آن ۵۶ دقیقه زمان می‌برد. سه حکیم برای شاه هدایایی می‌برند: طاووس زرین، بوقی که جنگ را پیش‌بینی می‌کند و اسب ابنوس، که سخنگو ست و پرنده، پسر شاه سوار بر اسب ابنوس، سفری عرفانی را آغاز می‌کند سفری که تلاقی عشق و وظیفه را به تصویر می‌کشد و نمایش با ماجرابی ترازیک، پایان می‌یابد. شیوه اجرای نمایش، ترکیبی از دو شیوه رومیزی و سایه است: «عروسک داریم و عروسک‌گردان‌هایمان دیده می‌شوند علاوه بر این ۹ میز داریم که عروسک‌ها روی آنها قرار می‌گیرند.»

پروژه آماده کردن این نمایش به مهرماه سال گذشته برمی‌گردد. پس از آن نمایش در نهمین جشنواره تئاتر عروسکی دانشجویان اجرا شد و جوایز متفاوتی را از آن خود کرد: «اجرای جشنواره برای ما خیلی مؤثر بود. از بازیگری



نشریه روزانه پازدمین
جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی
تهران - بهارک



گفت‌و‌گو با فاطمه سوزنگر، کارگردان نمایش «ماهی گیر»

افسانه ماهی گیر شیرین می‌شود

عنوان نمایشنامه به خوبی نشان می‌دهد که داستان، از همان افسانه مشهور «ماهی گیر» گرفته شده است. ماهی گیری که بر حسب اتفاق، یک ماهی را می‌گیرد و آن ماهی به او می‌گوید در ازای آزاد کردن آن، سه آروزی را برآورده می‌کند و ... راحله بیات و بهادر مالکی، داستان را آداپته کرده‌اند. در این نمایش ماجرا در کنار دریای شمال ایران رخ می‌دهد بنابراین اصطلاحات گیلکی به کار اضافه شده و نمایش باحال و هوای یک کار شمالی اجرا می‌شود.

سوزنگر می‌گوید: «داستان ما نیازمند دریا بود بنابراین یا باید در جنوب اتفاق می‌افتاد یا شمال اما از آن جا که نمایش‌های زیادی را دیده‌بودم که در جنوب اتفاق می‌افتند، دوست داشتم ماجراهای نمایش ما در شمال اتفاق بیفتد تا تحت تأثیر کارهایی که دیده بودم، قرار نگیرم و بتوانم تجربه جدیدی را انجام دهم.»

عروسک‌های نمایش باتومی بونراکو هستند اما این عروسک‌ها در عین حال فک زن هم هستند. اما نکته جالب تعداد عروسک‌ها است که تنها سه تا است با این حال حجم کار بزرگ شده است: «سه عروسک پیر زن، پیر مرد و ماهی‌داریم که خیلی بزرگ نیستند اما میزانشن‌های ما بزرگ شده که حجم کار را زیاد کرده‌است.»

سوزنگر چندین طرح را به جشنواره پیشنهاد می‌دهد اما در نهایت هم او هم مسؤولان جشنواره «ماهی‌گیر» را ترجیح می‌دهند: «افسانه ماهی‌گیر به من کمک می‌کند تا ذهنیاتم را در مورد فانتزی کارهای عروسکی به تصویر بکشم به همین دلیل هر جا که ماهی حضور دارد از فضاهای فانتزی و نور پردازی‌های خاص که حالت جادویی به کار می‌دهد، استفاده کرده‌ام.»

سوزنگر جزو کارگردان‌های راضی جشنواره است: «خوشبختانه همه برای این کار به من کمک کردند هم گروه اجرایی و هم مسؤولان مختلف و حتی راهنمایی‌های شورای بازیابی به کار من خیلی کمک کرد.»

هرچند قصه ماهی‌گیر، افسانه‌ای کهن است اما این نمایش کاملاً با دیدگاه سوزنگر اجرا می‌شود: «تم اصلی داستان این بود که خوب نیست آدم طمع کار باشد و بهتر است ساده و بی پول باشد اما اعتقاد من این نیست که آدم نباید دنبال پول بیشتر باشد بنابراین با نویسندگان کار یک‌هفته بحث و جدل داشتیم که در نهایت، زن و شوهر داستان ما به خاک سیاه نشینند و پولدار باقی بمانند. بنابراین داستان را شیرین کرده‌ایم.»

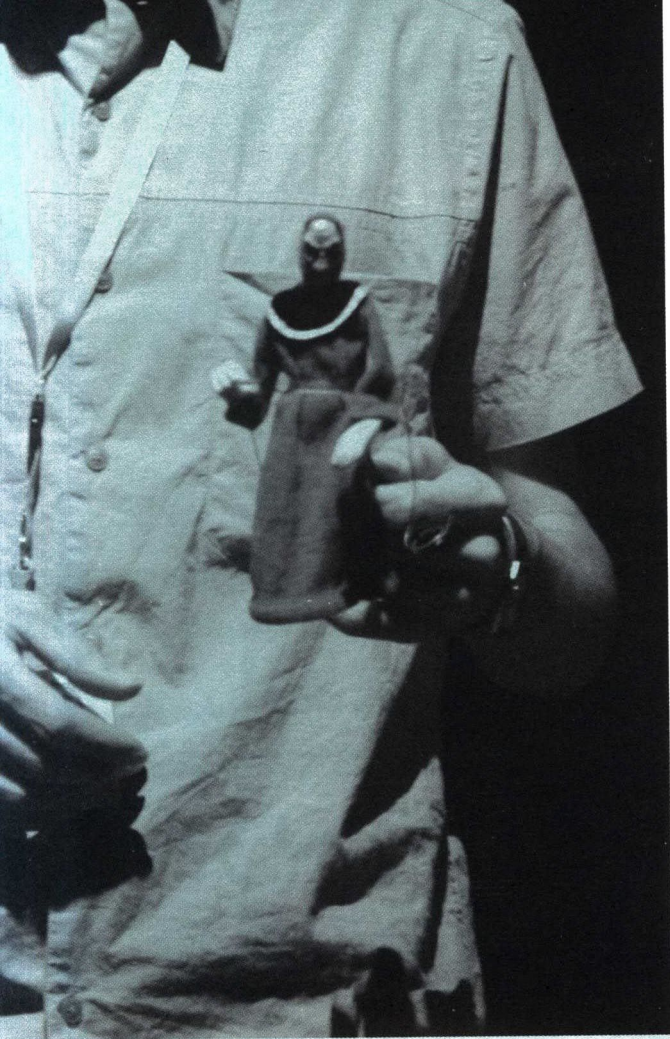
این نمایش مخاطب عام دارد اما سوزنگر معتقد است به‌خاطر شوخی‌هایی که وجود دارد، مخاطب کودک شاید کمتر بتواند با کار، ارتباط برقرار کند.

خدا، مرا مسوزان قلبم پر از عروسک است

جز مرگ، هیچ چیزی نخواهد توانست که مرا از تو جدا کند، در کهنواره بودم که با تو خندیدم، در کوجه‌های کودکی تو هم‌رازم بودی و دوستی با تو را و بازی با تو را و گفتن از غصه‌ها و شادیهایم را و غمگسار و هم سخن بودن تو را، بر هر بازی کودکانی دیگری ترجیح دادم. در جوانی معشوقم تو بودی، در بگیری هم، هنوز معشوقم تویی. تو نه از چوبی، نه از پارچه، تو بافته‌ای از جانم، روانم و بافته‌ای از همه‌ی ناگفته‌های وجودم هستی. ای صحنه‌ی نمایش عروسکی، ای عروسک‌های ریز و درشت، شما می‌دانید که چه قدر به من خندیده‌اند و شما می‌دانید که چگونه من را بارها و بارها و بارها کشته‌اند. شما شاهد بوده‌اید که به خاطر تان خانه بدوشی کرده‌ام. به معابد رفته‌ام، به کلیساها سرگ کشیده‌ام. به دیر و کنتست و خانقاه رفته‌ام تا نشانی از شما بگیرم و از خنده‌ها ترسیده‌ام. ای بابا بزرگ مرا به یاد می‌آوری؟ ای کاراگاه ۲ مرا می‌شناسی؟ ای کلاغ مادر که غم از دست دادن جوجه‌هایت تو را گریان و زار کرده است. بهروز غریب پور را به یاد می‌آوری؟ ای اهالی شوخ آباد، شاخ آباد، نیش آباد و نوش آباد از من چیزی به یاد می‌آوردید؟ ای ازدهای هفتخوان ایا می‌توان در اندام بسیار بلند تو، در تونل وجودت به دنبال یک عاشق کشت؟ اهالی ای امیر عاشق، امیر بریده از کاخ‌ها و جامه‌های زربفت، تو مردی را می‌شناسی که برای ترسیم تو یک سال صبوری کرده باشد و در کنار زاینده رود، گریه‌های شبانه کرده باشد؟ یادت هست که به تو گفتم: جز مرگ، هیچ چیزی عشق عروسک‌ها را در دلم نخواهد پز مرد؟ ای مبارک عزیزم، کوچی صابون پزخانه را به یاد می‌آوری؟ اصغر احمدی را به یاد می‌آوری؟ آن انباری نمودار را به یاد می‌آوری؟ آیا همان شب که فانوس تنها نور انباری کهنه بود، تو نبودی که به من گفتی: زنده‌ام کن؟ آیا یادت هست که به دنبال تو و شیخ احمد خمسه‌ای، به دنبال تو و مرشد نعمت اله عباسی تا کجاها که نرفته‌ام؟ مبارک عزیزم به یاد می‌آوری که عاشقانه تمام یاران دوران شکوهت را بازسازی کردم و در بی‌اعتنایی کامل بسیاری، بخشی از جانم، عمرم، سرمایه‌ام را به پای تو ریختم؟ آیا به یاد می‌آوری که من جوان بودم؟ آیا به یاد می‌آوری که من دلدادگی تو بودم و دلدادگیم در غوغای تئاتری‌های دل سپرده به جهان غرب را پنهان نمی‌کردم؟ اهالی فردوسی، مرا به یاد می‌آوری؟ یادت هست در کارگاه مار بوتن تئاتر اتریش، چه‌ها می‌گفتم تا جerald کوبی چک را عاشقت کنم تا بلکه صورت رنجورت، قلب هزار خنجر خورده‌ات را به نمایش بگذارم؟ بانو، تهمینه جان یادت می‌آید که تا کجاها رفتم تا سیمای محزون، عاشق و غمزده‌ات را مجسم کنم... ای رستم مرا به یاد بیاور. ای سهراب مرا از یاد مبر... من عاشق شما هستم. من تا دم مرگ، تا آن روز که نفس آخر را خواهم کشید عاشقتان هستم و می‌دانم در آن دنیا نیز با هم از یل صراط خواهیم گذشت و من هولناکی عشقم را با خود به برزخ خواهم کشاندم. من در پیشگاه خداوند زانو خواهم زد، مویه خواهم کرد و به آواز بلند به خدا خواهم گفتم: خدا، مرا مسوزان، من قلبم پر از عروسک است. تو این قلب عاشق را به من دادی... خدا، مرا مسوزان، من قلبم پر از صداهای ساحرانه‌ی عروسک‌هاست... خدا،

بهروز غریب پور





عکس: اختر تاجیک

نگاهی به نمایش
«مالیخولیای گذر زمان»
نوشته و کار خوزه لوئیس ناوارو

خستگی پس از رهاشدن

مهدی عزیزی

که ارزشمندترین سرمایه بشریت را نمی‌خواهد نابود کند و در سه دقیقه مهم‌ترین مانیفست بشریت را صادر و آن را در ذهن تک تک آدم‌ها جا کند. باید اعتراف کرد، موسیقی، ریتم و شکل طراحی صحنه‌ی کوچک نمایش اغلب آدم‌ها را که پا در آن فضای دو در دوی کوچک می‌گذارند، شایسته‌ی خود کرده است. کافی است پس از پایان این سه دقیقه به چهره آدم‌هایی که از سالن نمایش بیرون می‌آیند، دقت کنید. حس غم، شادی، هیجان، وهم، افسردگی و اضطراب در چهره تماشاگرانی بیرون می‌آیند، تماشایی‌ترین لحظه پیش از ورود به تالار است.

خوزه لوئیس ناوارو، همانگونه که از پیش عنوان کرده بود، تماشاگرش را به تنهایی می‌پذیرد تا میزان باور پذیری و تأثیر گذاری را بر مخاطبش بیافزاید. چرا که او بی هیچ مزاحمتی با صحنه‌ای مواجه می‌شود که می‌تواند به آن بخندد، بگریزد و یا خودش را نابود سازد. این تلاش مفید و مؤثر نویسنده و خالق اثر را باید ستود که احترام تماشاگرش را در فردیت او معنی می‌کند. در واقع تمامی مجموعه‌ای که نمایش را می‌سازد، در گرو نشانه‌هایی است، که تماشاگر فهمیم را متوجه موجودیت و ماهیت مفرد و یکتایش می‌کند. که تو باید تنها بیننده نمایش من باشی، چون لحظه‌ای که فرشته مرگ بر دوش ات نشست، تو تنها سفر می‌کنی! نمایش سه دقیقه از یک هزار و چهار صد و چهل دقیقه‌ی، یک روز مارا اشغال می‌کند، که بی شک می‌تواند تأثیر گذار ترین سه دقیقه‌ای باشد که در زندگی خواهیم گذراند، به عبارتی سه دقیقه تئاتر می‌بینیم و دقایقی به پیام نمایش می‌اندیشیم.

صدای موسیقی قطع می‌شود، نور کمتر و کمتر؛ در سالن باز، بسته می‌شود. نور چراغ قوه، لکه‌ای نورانی بر زمین حک می‌کند. کسی به شانه‌ات می‌زند، گوشی را در بیار، تمام شد. چقدر خسته‌ام، سه دقیقه اندیشیده‌ام!

کسی صدایت می‌زند، حالا نوبت توست، اینجا بنشین! گوشت را روی گوشی بگذار و خارج می‌شود. این آغاز بر گمانه زنی‌های پیش از تماشای نمایش «مالیخولیای گذر زمان» است که تماشاگرش را به تنهایی به تماشا فرا می‌خواند. تماشای هولناک‌ترین واقعه‌ی دنیای زندگی آدم‌ها، مرگ!

زمان در گذر است، زودباش، کار هایت را انجام بده، وقت رفتن است. شاید باورش قدری دشوار باشد، اما بی شک این اولین باری است که هولناک‌ترین سه دقیقه عمرمان را وقف تماشای نمایشی می‌کنیم که می‌خواهد به ما هشدار دهد، وقت نداریم و باید تند و تند کارهایمان را انجام دهیم. شاید امروز، شاید فردا و شاید همین لحظه پایان هستی ما باشد. «مالیخولیای گذر زمان» در سه دقیقه میلیون‌ها نکته پر اهمیت را در سه قاب به تصویر می‌کشد، گذر زمان را که سال‌هاست مورخان، کاتبان، روشنفکران و راهبران جهان هستی، انسان را از آن برحذر داشته‌اند. این سه دقیقه تلخ که تلخی‌اش همچون حلاوت‌رهایی از آن بند است. می‌خواهد با زبان بی‌زبانی به ما بفهماند، این زندگی فانی‌تر از آن است که باخشم و در بند کردن، و جنگ و خون‌ریزی بتوان اکسیر جوانی را در رگ‌های فرسوده آن جاری ساخت.

زندگی با بال‌های گشوده و خیز بلندش سال‌هاست که سوی کرانه‌ای دیگر پرگشوده و آن کرانه مرگ است، مرگ. حال با تمام قدرت، پول، تهدید، ارباب و هر چه در توان داری نمی‌توانی مانع این پرش شوی. هر که و در هر مرتبه‌ای.

اجازه می‌خواهم تا با تمام احترام به ماهیت و هویت تئاتر عروسکی سرزمینم، اعتراف کنم، افریننده‌گان نمایش مالیخولیای گذر زمان «تنها با سه چهار عروسک (به اندازه دو بند انگشت) فصل جدیدی در استفاده مفید و بهینه از زمان برای اجرای یک اثر در طراحی، اجرا و پرداخت تئاتر به‌ویژه تئاتر عروسکی گشوده‌است. این نمایش با اشاره به گذر زمان به عینه ثابت می‌کند



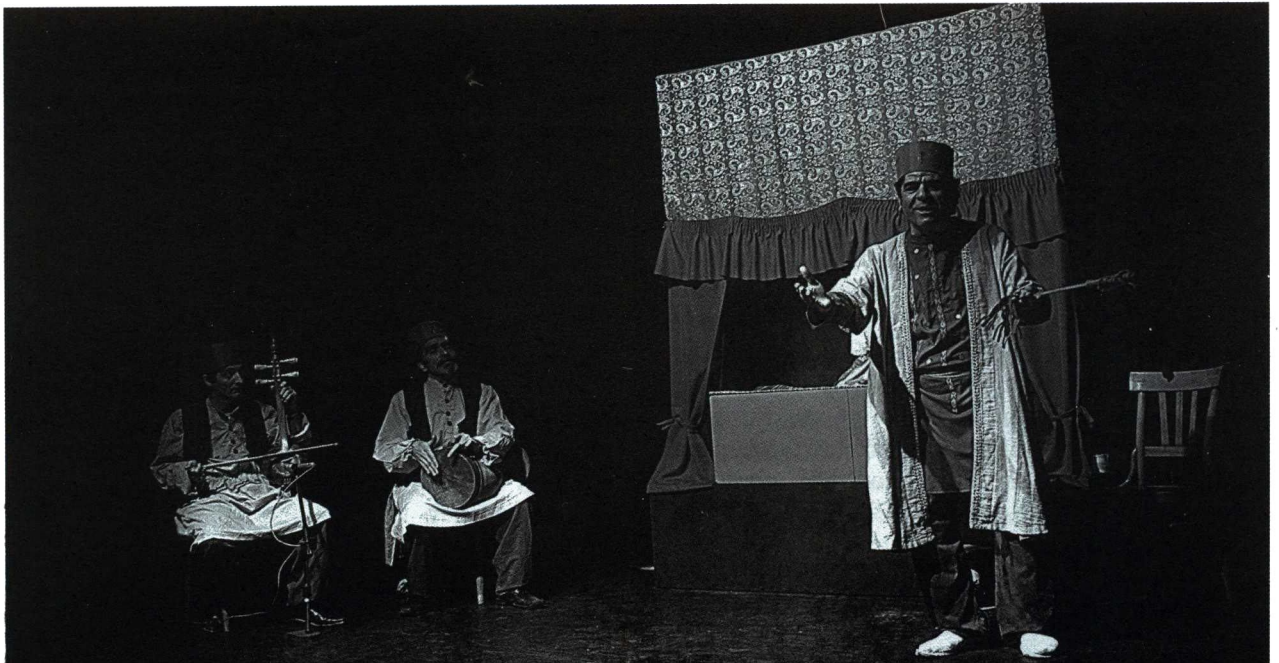
...وسیبی که برای عروسک‌ها دغدغه می‌سازد

در بسیاری از فرهنگ‌های کهن، از جمله اندلس به سیب اشاره شده است و استفاده از سیب در آثار شاعران و نمایش نامه نویسانی از جمله «فدریکو گارسیا لورکا» و «خوان رامون خیمنز» به چشم می‌آید. از سوی دیگر، داستان با اجرای خیمه‌شب‌بازی به گوشه‌ای دیگر از زوایای نمایش اشاره دارد. به لحاظ جامعه‌شناسی نمایش، داستان در بخش اجرای عروسکی، از تیپ‌ها و الگوهای عروسکی بی‌شماری از جمله باغبان و ... سود می‌برد و تصویری از جامعه ملموسی را ارائه می‌دهد، جامعه‌ای که اگر چه در عمق سنت است و هنوز با پیامدهای مدرنیته، فاصله‌های فراوانی دارد، اما تیپ‌های آن قابل رویت هستند. بنابراین حضور شخصیت‌های عروسکی و دغدغه‌های آنان مطرح می‌شود و این امر در کشمکش ذهنی مخاطب تأثیر فراوان دارد. چرا که خود قصه در یک ساختار کهن اجتماعی روایت می‌شود و در اجرای سیاه‌بازی ما با دو تیپ درباریان و خدمتکاران روبه‌رو هستیم.

پیام آفتاب ریشه در درخت سترگ ادبیات تمثیلی دارد. این ادبیات تمثیلی به اجرا اجازه می‌دهد که ساختاری شناور را بپذیرد. بنابراین زبان به عنوان یک هستی منقطع عمل می‌کند و با کارکرد طنزآمیز خود به زوایای خاصی نقب می‌زند. از این رو داستان در قید و بند حکایت کهن و آرکائیک نیست. طوری که در دیالوگ‌ها، هم چهار راه ولیعصر وجود دارد و هم نام یک شخصیت تلویزیونی «نرگس» که سریالی به همین نام در شب‌های اخیر از صدا و سیما پخش می‌شود. به تعبیری زبان در این نمایش قالب و ساختی شناور دارد که زمان و مکان واحد را در هم می‌شکند و به نمایش بعدی سیال و بی‌منتها می‌بخشد. در این میان نقش عروسک‌های خوش ساخت قابل بحث است؛ اجرای خیمه شب بازی با استفاده از تکنیک‌های جهشی و سریع عروسک‌ها، دیالوگ‌های شکسته و بریده بریده، انعطاف آنها در حرکت و خم و راست شدن‌شان در هارمونی با موسیقی سنتی ریتمیک، جذاب و دیدنی است. با این حال قصه نمادین و تو در توی پیام آفتاب در نهایت رنگ و لعابی فلسفی به‌خود می‌گیرد و به تعبیر و قرائتی هستی‌شناسانه می‌رسد. چنان‌که در پایان نمایش شعر مشهور خیام، (مالعبت‌کانیم و فلک لعبت‌باز / از روی حقیقتیم، نه از روی نیاز) تکرار می‌شود و به‌عنوان یک پایان بندی خوب به نمایش پیام آفتاب شکلی هدفمند می‌بخشد.

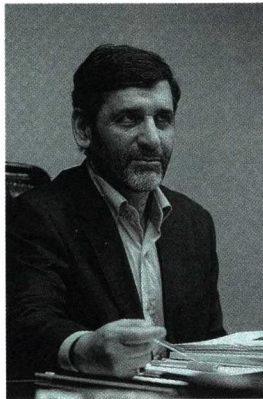
«رسانه، پیام را توجیه می‌کند» شاید با این حرف تاریخی مارشال مک لوهان، زاویه‌ای برای ورود به دنیای نمایش «پیام آفتاب» به کارگردانی داوود فتحعلی بیگی، پیدا کنیم. زیرا در این نمایش هم، صحنه توجیه همه چیز است و گستره‌ای فراتر از چند عنصر ساختاری، نمایش پیام آفتاب را به قلمرویی از اجراها، دیالوگ‌ها و قصه‌ای با نمادها و سمبل‌های متفاوت و متنوع تبدیل کرده است. «پیام آفتاب» در کل از دو اجرای «سیاه‌بازی» و «خیمه‌شب‌بازی» سود می‌برد و یک روایت واحد با رویکرد داستانی و تخیلی را دنبال می‌کند. در این میان اجرای خیمه‌شب‌بازی با چاشنی طنز، روایت سریع و زیبایی خاص عروسک‌ها به نمایش، ریتم تند، مهیج و احساسی بخشیده است. «پیام آفتاب» اقتباسی از یک داستان کهن ایرانی است و به تناسب بافت هر داستان قدیمی، جامعه‌ای قدیمی را هم به تصویر می‌کشد؛ جامعه‌ای که در آن مانند بسیاری از قصه‌ها و افسانه‌ها، پادشاهی در کمال نعمت و خوشی زندگی می‌کند. یک روز به‌طور ناگهانی فرشته‌ای بر او آشکار می‌شود و یک سیب به او می‌دهد. فرشته این سیب را نماد تولد بچه می‌خواند و به پادشاه می‌گوید که او باید نصف سیب را بخورد و نصف دیگر را به همسرش بدهد. با این حال فرشته به پادشاه می‌گوید که آنها صاحب دختری می‌شوند و دختر هم در ۶۱ سالگی با خدمتکارشان ازدواج خواهد کرد. در واقع این خدمتکار هم کسی جز «مبارک» نیست. بنابراین با تدبیر وزیر خود، مبارک را به دنبال آفتاب می‌فرستد تا پیام آفتاب را برای پادشاه بیاورد. در چنین سفری اجرای خیمه‌شب‌بازی، بیش از اجرای سیاه‌بازی محوریت پیدا می‌کند و شاهد زوایای خاصی از پیام‌های داستانی نمایش هستیم. مبارک در راه با شخصیت‌های عروسکی زیادی بر خورد می‌کند، آهو، باغبان و ... نمونه‌ای از این افراد هستند.

آنها هر کدام آرزویی دارند و مبارک به آنها قول می‌دهد که آرزوی هر کدام را برای آفتاب بازگو کند و پیام آفتاب را برای آنها بیاورد. در نهایت هم پیام آفتاب برای هر کدام از این شخصیت‌های عروسکی، توأم با خوشبختی است. باغبان زیر درختانش گنج پیدا می‌کند، پای مصدوم آهو سالم می‌شود و مبارک هم با دختر پادشاه ازدواج می‌کند. اما در دل این قصه ساده‌نشانانه‌های خاصی وجود دارند. به‌عنوان مثال نماد سیب، برای تولد، اشاره‌ای کتابی به اسطوره آدم و حوا است. اگر چه در متون اسلامی و عرفانی نماد میوه ممنوعه، گندم است و همواره این نماد باعث خروج آدم و حوا از بهشت می‌شود اما



SAFAR HARRANDI IN PERFORMANCE OF ROSTAM O SOHRAB

His Excellency Mr. Mohammad Hossein Saffar Harrandi Minister of Culture and Islamic Guidance and Mohammad Hossien Niroumand the Advisor and chief of ministerial office were the guests of honor for the troupe. In the 190th performance of Rostam o Sohrab Puppet Opera the minister with his deputies and advisors Mr. Mohammad Hossein Imani Khoshkho Deputy for Art Affairs, Hossein Parsayee Chief of Dramatic Arts Center, Parviz Karami Director of ministerial Office and Masoud Shahi Director of Roudaki Foundation visited the back stage of Rostam o Sohrab Puppet Opera. The minister stated that it is very tangi-



ble and the audience feels it. It absorbs the audience and puts him in the time and place of Rostam and Sohrab. It is a very success of the director and his colleagues to achieve this end. Saffar Harandi said that this is our national and religious culture "We should introduce our puppet theater in the best way. And provide conditions to a better understanding." He added that Gharibpour as a very clever director. While I was watching the show it reminded me of the Ashoura and it is not accidental. It shows a new trend in the tragedy. In my opinion Gharibpour has an enterprise in Rostam o Sohrab Puppet Opera

SECOND DAY PLAY WRITING WORKSHOP BY IRAJ TAHMASB

The word in the voice of puppets is sweeter. The second workshop was conducted by Iraj Tahmasb in The faculty of Fine Arts. Iraj Tahmasb told that there are many differences between puppet show and puppet drama. "Writing for puppet show is a hard job. Because the mis en scene and stage directions are very long and exhausting. All imaginations of the writer should be penned down." Tahmasb said, "the best way is that the playwright should draw his thought like an animator on the paper." Tahmasb, an experienced director added "Puppet shows come from magic. It is play with connotations and meaning but not very clear one." He said that entertainment aspects of the puppet theater is more important. It should be amusing for audience to have a better effect on children.

The shows are mainly for children and young adult in the modern world. A boring one for people." He said that the puppet drama is closet in fact but puppet show is not the same. In puppet show you can't draw border line between the writer and director. The history of puppet show indicates that the puppets are the hidden and forbidden language of man. In this kind of literature that comes from Medieval. People mouth their own words in the voices of puppets. The dictators are helpless before the puppet. If you believe in them you can have power. They act more freely than the real players. The characterization in Puppet Theater is very important. The character must not be described. It should be shown. The character should be replica of man, not him or her.

An interview with Jose Luis Navaro Director of *Melancholy of a passing time* From Spain.

WE HAUNT YOUR HEART

Melancholy of passing time directed by Jose Luis Navaro was performed last night in small hall of City Theater Complex.

How did you know Iranian Puppet Theater?

I have come to Iran in 1992 and 1996 for the second and fourth International Puppet Theater Festivals. Then I performed with Extra Troupe a play named Synopsisism .

How did you know about the 11th International Puppet Theater Festival?

In a festival in Prague there was an Iranian troupe and Mr. Gharibpour was a member of the jury there. In fact he invited me to attend the 11th International Puppet Theater Festival.

In your piece the performance it is for one audience per séance. Why do you perform for a single audience each time?

It is not very complicated .I am not the sole innovator .many people all around the world has the same experience. Theater only means in an individual space for an individual audience. Maybe in a performance before 200 audiences they laugh at the play, but in single audience space this would not occur. Even on the contrary it may cause sadness instead of joy. Theater is like a mirror. In the most private moments it has the strongest effect. As Marcel Duchan says" When ever you go to exhibition it is better you go alone. A better concentration gives you more."

When you watch a play alone there is a bilateral understanding between the performer and the single audience.

Who is the writer of the piece?

How long you rehear it.

I am the writer .From 1998 to 2000 I had rehearsal. And up to now I have been performing it for six years.

It is a long time?

The puppetry masters believed that it is impossible to make any change and it may cause problems in alternating the structure. They said it is an act like surgery. They were against this innovation .Another reason is the subject and dramaturgy of the play. This is a silent play and there were many hindrances for a better understanding of the play.

You have several performances in various countries with different background and culture.

How did they manage to understand your work?

Some loved it. They enrolled to see for the second and third time and some preferred to see it just for once. In a performance a lady went out crying .I followed her and asked for the reason. She said that she has just lost her mother and the play hunted her heart. Death has the same meaning in all cultures. Every body can understand it.

How much do you know about Iranian Puppet Theater?

In 1996 I came to Iran and I saw many plays. The works were good, but not the puppets. They have some problems in puppet making. The most important factor is the respect toward Puppet Theater in Iran. Our world is suffering from apartheid, war and human rights violation.

What is the role of Puppet Theater for erasing such faults from the world?

In Prague the chief of festival was astonished by our play .We had discussions on the meaning of life and death and so on. This may urge some people think about fleeting time and have a better understanding .We see by our eyes and understand with our brain .But it is our heart that takes it in. We can decide better on seeing the plays.

Mobarak

24

6 Sep
2006

Daily Bulletin of The 11th Tehran International Puppet Theater Festival – Mobarak

زنده یاد کامبیز صمیمی مفخم
در حال ساخت یکی از عروسک‌های
نمایش «حادثه در شهر عروسک‌ها»
سال ۱۳۷۳

